

هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی

ایران و افغانستان

محمدرضا حافظ نیا^{۱*}، پیروز مجتهدزاده^۲، جعفر علی زاده^۳

۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۸۴/۶/۲۸

دریافت: ۸۳/۴/۱۴

چکیده

رودخانه هیرمند از افغانستان سرچشمه می‌گیرد. زندگی مردم منطقه سیستان نیز وابسته به آن است. نوسان جریان آب هیرمند و کاهش آب جاری به سمت سیستان (ایران) در صد سال گذشته همواره مشکلاتی را در روابط سیاسی ایران و افغانستان در سطوح ملی و ملی به وجود آورده است. این پژوهش در پی یافتن علل نوسان آب هیرمند، کاهش جریان آن به سوی سیستان و تأثیر آن بر روابط سیاسی بین دو کشور می‌باشد.

وقوع خشکسالی و کاهش جریان آب از سرچشمه‌های هیرمند باعث کاهش جریان آب به سمت سیستان و وقوع بحران آب در این ناحیه شده است. در صد سال گذشته افغانستان با جد کردن کانالهای متعددی از هیرمند و احداث سدهای مخزنی و انحرافی روی آن حجم بیشتری از آب را مصرف کرده و میزان آب جاری به سیستان را کاهش داده‌اند. این مسأله در مواقع خشکسالی در بخش علیای رودخانه، کم آبی در سیستان را تشدید کرده است. قرار گرفتن سرچشمه‌های هیرمند و ۹۵ درصد از مسیر رودخانه در سرزمین افغانستان و وابستگی شدید افغانها به آب هیرمند موجب برتری ژئوپلیتیک افغانستان در مقابل ایران شده است که همواره موجب انعطاف ایران در برابر افغانستان در این مورد بوده است.

کلید واژه‌ها: ژئوپلیتیک، هیدروپلیتیک، رودهای بین‌المللی، رود هیرمند، تنش سیاسی.

E-mail: hafezn_m@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:

۱- مقدمه

آب منشأ حیات بر روی کره زمین است که امکان یافتن جایگزین برای آن وجود ندارد. در یک قرن گذشته با افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر به همراه بهبود شرایط زندگی و پیشرفتهای صنعتی، مصرف آب افزایش یافته و منجر به کاهش سرانه آن شده است. مصرف آب در سطح جهان سریعتر از جمعیت افزایش می‌یابد. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰م. میزان مصرف آب سه برابر شده که از این مقدار ۲۳۰ درصد ناشی از رشد جمعیت و بقیه نتیجه افزایش سرانه مصرف آب بوده است [۱، ص ۱۰۸]. در طول قرن گذشته بهره‌برداری از منابع آب جهان هفت برابر و مصارف صنعتی سی برابر شده است [۲، ص ۵] و تقاضا برای آب هر ساله ۲/۳ درصد افزایش یافته است [۱، ص ۱۰۸].

اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ، معضل آب را به‌عنوان یکی از چالشهای فرامرزی جهان مطرح کرده است. دسترسی به آب آشامیدنی سالم برای امنیت انسانی و توسعه پایدار ضروری است و هنوز ۲/۱ میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و ۲/۴ میلیارد نفر از خدمات تصفیه آب محرومند [۲، ص ۵].

منابع آب به‌طور یکسان در سطح کره زمین توزیع نشده است؛ به‌طوری که بسیاری از مناطق مانند آمریکای شمالی و اروپا دارای منابع آب فراوانی می‌باشند، اما مناطقی مانند خاورمیانه با کم‌آبی مواجه می‌باشند. امروزه آب به شکل آشکاری وارد عرصه سیاست بین‌المللی شده است. کمبود آب که زمانی پدیده‌ای محلی بود، اکنون از طریق تجارت بین‌المللی، مرزهای بین‌المللی را دربرمی‌گیرد [۳، ص ۴۹]. افزایش تقاضا برای آب در قرن بیست و یکم، فشار بیشتری روی منابع آب وارد می‌کند و سیاستمداران و دولت‌ها مجبور می‌شوند تا مسائل مربوط به آب را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند.

افزایش نیاز به آب در کشورهای جهان تنشهای جدیدی بر سر مسأله تصاحب منابع آب به وجود آورده است. رودخانه‌ها یکی از منابع دسترسی به آب تازه برای مصارف انسانی می‌باشند، تعداد زیادی از رودخانه‌ها در فضای سرزمینی بیش از یک کشور جریان دارند که اختلافهای بین کشورهای حوضه این رودها برای استفاده از آب وجود دارد. در حال حاضر ۱۴۵۰ معاهده و پیمان مربوط به آب امضا شده که ۳۰۰ مورد آن منحصراً در مورد مدیریت منابع آب رودهای بین‌المللی است [۴، صص ۷۶۹-۷۸۱].

با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آبهای سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید می‌شود. در این صورت رودخانه‌های بین‌المللی، محل منازعه و درگیری خواهند بود [۵، ص ۹۷۵].

اختلاف بر سر رودخانه‌های بین‌المللی، اغلب به‌خاطر استفاده بیش از اندازه آب رودخانه در بخش علیای رود و کاهش میزان آب جاری به سمت کشور یا کشورهای واقع در بخش سفلی رود و همچنین کاهش کیفیت آب رودخانه بر اثر آلوده‌شدن آب در قسمت بالا دست رودخانه روی می‌دهد، اما ممکن است عوامل دیگری، به غیر از موارد فوق، باعث اختلاف و کشمکش بین کشورهای حاشیه رود شود، مانند استفاده از رودخانه برای کشتیرانی، ماهیگیری، انتخاب رود به‌عنوان خط مرزی و انحراف رود از مسیر خود که باعث برهم خوردن خط مرزی می‌گردد و غیره.

کشمکش و درگیری بر سر کیفیت منابع آب، براحتمی از طریق همکاری بین کشورهای حاشیه رود، قابل حل است، اما اختلاف بر سر کمیت منابع آب و مسأله کاهش منابع آب به دشواری قابل حل است و در بسیاری از موارد، تهدیدی برای درگیری و منازعه میان کشورها می‌باشد. اختلافات در مورد رودهای نیل، دجله و فرات، هیرمند، گنگ و زامبزی بر سر کمیت آب می‌باشد. همچنین عدم وجود قوانین و مقررات بین‌المللی و سازمانی برای تقسیم منابع آب رودهای بین‌المللی نیز احتمال درگیری و منازعه را افزایش می‌دهد [۴، ص ۷۷۱].

همکاری بین کشورها بر سر منابع آب به میزان زیادی با روابط سیاسی و اقتصادی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. زمانی که کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاههای سیاسی مشترکی داشته باشند یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند، این عامل امکان همکاری و در نهایت دستیابی به توافق بین آنها را افزایش می‌دهد [۶، ص ۱۵]، برعکس، زمانی که کشورهای حاشیه رود بدون روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای باشند و یا تاریخچه‌ای از خصومت بین آنها وجود داشته باشد، این عوامل در نهایت منجر به عدم اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود می‌شود که احتمال همکاری را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی کشورهای بخش علیای رود سعی می‌کنند از آب به‌عنوان یک اهرم سیاسی-اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای بخش سفلی رود استفاده کنند. تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه رودخانه‌ها، نیازمند دستیابی به توافق تمام کشورهای حاشیه آن و تقسیم منصفانه آب بین آنهاست. همچنین باید با یک رویکرد جامع تمام جوانب در تقسیم و سهمیه‌بندی آب و یا استفاده‌های دیگر از منابع آب رودخانه در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، دستیابی به توافق و امضای قرار داد ممکن است در کوتاه مدت مشکل را برطرف کند، اما نمی‌تواند آن را برای همیشه حل کند و اینگونه توافقات ناپایدار خواهند بود [۷، ص ۱۰۸].

کشمکش و درگیری بر سر استفاده از منابع آب مشترک بین کشورها در آینده، با توجه به کاهش میزان سرانه آب و به دلیل افزایش تقاضا و آلوده شدن هرچه بیشتر منابع آب، افزایش خواهد یافت، اما در نهایت همکاری بین کشورهای دارنده منابع آبی مشترک برای استفاده از آن، بهترین راه حل جهت دستیابی به سهم منصفانه از آب رودهای بین‌المللی، مدیریت صحیح منابع آب، جلوگیری از اتلاف آب و آلودگی آن و همچنین کمک به حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود که در برخی موارد، ممکن است کشورها مجبور به همکاری در این مورد شوند.

حاکم بودن بر منابع آب یک مسأله ژئوپلیتیکی است که به دشواری می‌تواند حل شود [۱، ص ۱۰۸]. تلاشها برای تنظیم مقررات مربوط به بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی صورت گرفته، هنوز تعریف دقیقی از میزان حاکم بودن دولتها بر این منابع آن‌گونه که مورد قبول همگان باشد، ارائه نشده است که بر اساس آن بتوان مسائل و اختلافات بر سر تقسیم منابع آب رودهای بین‌المللی را حل کرد. در بیشتر موارد کشورهای حاشیه رود با دستیابی به توافق بین یکدیگر که مبتنی بر اصل استفاده منصفانه و حسن همجواری است، مسائل و اختلافات بین خود را حل می‌کنند. ضمن اینکه در ارتباط با اصل استفاده منصفانه تعاریف مشخص و قانع‌کننده‌ای وجود ندارد [۶، ص ۱۴۴].

استفاده منصفانه مربوط به نیازهای اقتصادی - اجتماعی کشورهای حاشیه رودخانه به منابع آب است و آب به گونه‌ای توزیع می‌شود تا اندازه‌ای که امکان دارد نیازها را برطرف سازد و بیشترین فایده را برای کشورهای حوضه رود داشته باشد. استفاده منصفانه آب، زیانهایی را که یک کشور به کشور دیگر وارد می‌کند، به کمترین اندازه کاهش می‌دهد، اما نمی‌تواند به طور کامل مانع آن شود [۶، ص ۱۴۴].

۲- روش انجام پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد که از طریق مطالعه اسنادی با رویکرد تاریخی وقایع و حوادث مربوط به روابط دو کشور تحت تأثیر هیرمند بررسی شده و سپس به طبقه‌بندی و تحلیل آن پرداخته شده است. اطلاعات مورد نظر از طریق اسناد دست‌اول وزارت امور خارجه ایران، اسناد ریاست جمهوری و سازمان اسناد ملی ایران و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای و بررسیهای میدانی تهیه شده است.

۳- ویژگیهای جغرافیایی رود هیرمند

رودخانه هیرمند با حوضه آبریز ۱۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه هامون در منطقه سیستان ایران می‌ریزد [۸، ص ۴]. شیب جنوبی ارتفاعات افغانستان واقع در بخشهای نیمه مرکزی و جنوبی این کشور، منبع اصلی تأمین آب رودخانه در طول سال می‌باشد که در دو شاخه اصلی آن هیرمند و ارغنداب جاری است. دو سد مخزنی عمده افغانستان، ارغنداب و کجکی در همین ناحیه احداث شده است که حوضه آبریزی وسیعتر از ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع دارند [۸، ص ۶].

بخش سفلی هیرمند که تشکیل‌دهنده دلتای رودخانه در ناحیه سیستان می‌باشد، گستره‌ای به وسعت ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع دارد که ۴۰ درصد آن در خاک ایران است. این قسمت از چهار برجک آغاز شده تا دریاچه هامون ادامه پیدا می‌کند. در منطقه دلتای رودخانه، هیرمند به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود. جهت جریان هیرمند بعد از بند کمال‌خان در ناحیه دلتا به سمت شمال می‌باشد که در بند کوهک به دو شاخه پریان مشترک و سیستان تقسیم می‌شود که اولی وارد دریاچه هامون پوزک و دومی وارد هامون هیرمند می‌گردد. رود هیرمند در قسمتی از مسیر خود پس از بند کوهک مرز میان ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد.

بارش در ناحیه دلتا بسیار کم و تبخیر بالاست و تمام آب مورد نیاز از رود هیرمند تأمین می‌شود. بالا بودن میزان تبخیر و اتلاف زیاد آب بر اثر آن در منطقه دلتای هیرمند سیستان ایران و چخانسور افغانستان میزان آب مورد نیاز برای هر هکتار زمین کشاورزی در این قسمت را بشدت افزایش می‌دهد.

رود هیرمند دارای رژیم آبدی متغیر در طول سال می‌باشد؛ به گونه‌ای که ۸۴ درصد جریان آب رودخانه مربوط به ماههای بهمن تا خرداد است. همچنین میزان آبدی رودخانه در سالهای مختلف بشدت تغییر می‌کند [۹، ص ۳۵].

۴- نوسان جریان آب هیرمند و سیر تحول مناسبات سیاسی ایران و افغانستان

اختلاف بر سر استفاده از آب رودخانه هیرمند بین ایران و افغانستان از زمان شکلگیری مرزهای شرقی ایران با دخالت انگلیسیها آغاز شد. در نیمه دوم قرن نوزدهم با اوج گرفتن اختلافاتی که در نواحی شرقی ایران بین حکام محلی تابع ایران و افغانستان بر سر مسائل مرزی به وجود آمده بود، دو کشور بر اساس معاهدات جداگانه‌ای که با انگلستان داشتند،

حل این مسائل را به حکمیت دولت بریتانیا سپردند. دولت بریتانیا، ژنرال فردریک گلداسمید را مأمور رسیدگی به این مسأله کرد. او در ماه مه سال ۱۸۷۱ م. (۱۲۵۰ هـ. ش.) مأمور انجام حکمیت مرزی میان ایران و افغانستان در مورد مناقشات دو کشور در منطقه سیستان شد [۱۰، ص ۳۸۱]. گلداسمید با تحقیق و بررسی در سرحدات سیستان در ۱۹ اوت ۱۸۷۲ م. (۱۲۵۱ هـ. ش.) رأی خود را در تهران صادر کرد. رأی گلداسمید به طور کامل به مسأله مشخص کردن مرز دو کشور اختصاص داشت که بر اساس آن گلداسمید منطقه سیستان را به دو بخش «سیستان درونی» و «سیستان بیرونی» تقسیم کرد. او «سیستان بیرونی» که بخش بزرگتر و وسیعتر را در بر می‌گرفت به افغانستان داد و بخش سیستان درونی و قسمت کوچکتر را به ایران اختصاص داد. همچنین شاخه اصلی هیرمند در خاوری‌ترین بخش دلتا پایین کوهک را به عنوان مرز دو کشور تعیین کرد [۱۰، ص ۳۹۱]. به این ترتیب قسمتی از دلتای هیرمند که بخش وسیعتر زمینهای کشاورزی و جمعیت بیشتری داشت به ایران واگذار شد و ناحیه‌ای که مسیر عبور آب جهت شرب در این قسمت را تشکیل می‌داد، به افغانستان سپرده شد [۱۱، ص ۱۶]. با قراردادن مرز دو کشور روی قسمتی از مسیر رودخانه هیرمند، رودخانه بر اساس سند وین تبدیل به رودخانه بین‌المللی شد که پس از آن همواره با نقش آفرینی سیاسی خود روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داد.

گلداسمید در مورد تقسیم آب هیرمند دو طرف را از انجام عملیاتی روی رودخانه که موجب کسر آب طرف مقابل شود، منع کرد [۱۲، ص ۱۳]. گلداسمید در مورد تقسیم آب رود هیرمند هیچ رأیی صادر نکرد که بر اساس آن مشکلات موجود بر سر استفاده از آب رودخانه حل شود یا از گسترش اختلافات در آینده جلوگیری کند. بعدها با تقاضای دولت افغانستان، وزیر امور خارجه انگلیس با موافقت گلداسمید جمله فوق را به گونه‌ای تفسیر کرد که افغانها بتوانند با ساختن کانالهای جدید و تعمیر کانالهای متروک و قدیمی به میزان بیشتری از آب هیرمند استفاده کنند. بر این اساس افغانها به خود اجازه دادند که با احداث و حفر کانالهای جدید، میزان آب جاری به سمت سیستان را کاهش دهند که این امر در سالهای کم آبی و با توجه به موقعیت جغرافیایی و بالا دستی خود مشکلات زیادی را برای سیستان ایجاد کرد.

۵- حکمیت مک ماهون

در سال ۱۸۹۶ م. (۱۲۷۵ هـ. ش.)، طغیان رود هیرمند موجب تغییر مجرای آن در ناحیه دلتا گردید و با انحراف مسیر رودخانه به سمت غرب قسمت اعظم آب از طریق مجرای جدید (پریان) به سمت هامون جاری شد [۱۳]. تغییر مجرای رودخانه اختلافاتی بین ساکنان دو

سوی مرز بر سر مالکیت اراضی بین مجرای قدیم و مجرای جدید به وجود آورد. افغانها، مدعی تغییر مرز به واسطه تغییر مجرای آب رود هیرمند شدند و ضمن تصرف اراضی واقع در بین مجرای قدیم و مجرای جدید با تخریب بند سیستان و احداث بندها روی هیرمند، تمام آب رودخانه را به طرف خود جاری ساختند [۱۳].

کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه باعث کم آبی شدیدی در ناحیه دلتا در تابستان ۱۳۲۰ هـ. ق. (۱۲۸۱ هـ. ش.) شد؛ به گونه‌ای که سیستان و چخانسور با معضل کم آبی روبه‌رو شدند [۱۴]. کم آبی شدید در بخش دلتا منجر به بروز منازعه در این ناحیه شد. در سال ۱۳۲۰ هـ. ق.، (۱۲۸۱ هـ. ش.)، گروهی از نظامیان افغانی پس از تجاوز به خاک ایران در بازگشت بند سیستان را تخریب کردند، این مسأله کم آبی سیستان را تشدید کرد، به گونه‌ای که عده‌ای از مردم سیستان به افغانستان مهاجرت کردند [۱۵].

اختلافات به وجود آمده بر سر مکان مرز و تجاوز افغانها به ایران به همراه کم آبی شدید سیستان موجب تنش شدیدی بین ایران و افغانستان شد که در نهایت موضوع به حکمیت دولت انگلستان سپرده شد. حکم انگلیسی، مک ماهون، به همراه کمیسیون داوری خود در ژوئن ۱۹۰۳ م. (۱۲۸۲ هـ. ش.) به‌طور کامل در سیستان مستقر شد و مطالعات و بررسیهای مربوط به آب و زمین در سیستان را شروع کرد [۱۰، ص ۴۳۵].

حکمیت مک ماهون در مورد مسائل مرزی و اختلافات به وجود آمده بر سر تغییر مجرای رودخانه (که در حکمیت گلداسمید به‌عنوان خط مرزی تعیین شد) تعریف شده بود، اما مسائل مربوط به تقسیم آب رود هیرمند نیز به آن افزوده شد.

مک ماهون پس از تکمیل داوری مرزی خود در نوامبر ۱۹۰۳ م. (۱۲۸۲ هـ. ش.) با ایجاد تغییرات جزئی در خط مرزی تعیین شده از سوی گلداسمید آن را به‌عنوان مرز بین دو کشور تعیین کرد و به نفع ایران رأی داد که مورد پذیرش دولت ایران قرار گرفت [۱۶، ص ۴۱۱]. اما امیر افغانستان پس از یک سال در اکتبر ۱۹۰۴ م. (۱۲۸۳ هـ. ش.) این رأی را پذیرفت [۱۰، ص ۴۱۸].

مک ماهون اندازه‌گیریهای مربوط به آب رود هیرمند در بالای بند کوهک (در رأس کانال رودبار) را از فوریه ۱۹۰۳ م. (۱۲۸۲ هـ. ش.) تا ماه مه ۱۹۰۵ م. (۱۲۸۴ هـ. ش.) ادامه داد و در دهم آوریل ۱۹۰۵ م. (۱۳۸۴ هـ. ش.) دست به تقسیم آب رود هیرمند زد و سهم آب ایران را به یک سوم از کل آبی که به بند کمال خان می‌رسید، کاهش داد [۱۷]. رأی کمیسیون مک ماهون که برخلاف یافته‌های تحقیقی در مورد مصرف آب و میزان نیاز دوطرف به آب و تنها جهت حفظ منافع دولت انگلستان با جلب رضایت افغانها در این قسمت از آسیا، سهم آب ایران را از ۶۲ درصد به ۳۳ درصد کاهش داد، مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت [۱۸]. اما این رأی،

بلافاصله مورد قبول دولت افغانستان قرار گرفت [۱۹] و اختلاف بر سر استفاده از آب هیرمند همچنان ادامه یافت و ایرانیان همواره میزان بیشتری از آب هیرمند را در بخش دلتا استفاده می‌کردند. این موضوع باعث درگیری و نزاع بین دو طرف در مواقع کم آبی می‌شد. استفاده بیشتر سیستانیه‌های ایران از آب هیرمند در سالهای بعد افغانیها را به این فکر واداشت تا منابع آب مورد نیاز خود را از بالای بند کوهک با احداث کانالهای جدیدی به طرف خود در ناحیه چخانسور جاری سازند.

۶- شکل‌نویین روابط سیاسی ایران و افغانستان پس از سال ۱۳۰۰ خورشیدی

با پایان جنگ جهانی اول و فروکش کردن بحرانهای سیاسی، برای نخستین بار در اوایل سال ۱۳۰۰ ه.ش. مذاکرات سیاسی رسمی بین دو کشور ایران و افغانستان آغاز شد. این مذاکرات در اوایل تیر ماه ۱۳۰۰ ه.ش. به نتیجه رسید و نخستین قرارداد بین دو کشور با عنوان عهدنامه مودت بین دو دولت ایران و افغانستان امضاً شد که منجر به ایجاد فضای دوستانه‌ای در روابط سیاسی دو کشور گردید و فصل جدیدی در روابط سیاسی بین دو کشور گشوده شد. شش سال پس از استقلال افغانستان در سال ۱۹۲۷ م. (۱۳۰۶ ه.ش.) عهدنامه دیگری تحت عنوان «عهدنامه ودادیه و تأمینیه» میان دو دولت منعقد گردید که موجب تحکیم روابط سیاسی دو کشور شد. در این زمان که رضا خان با ایجاد حکومت مرکزی نیرومند، حل مسائل مرزی با همسایگان را در اولویتهای سیاست خارجی خود قرار داده بود و توجه خاصی به حل مسائل مرزی داشت، به دنبال فرصتی برای حل اختلافات ایران و افغانستان در مرزهای شرقی کشور و مسأله تقسیم آب هیرمند بود. در سال ۱۳۰۹ ه.ش. خلعتبری سفیر ایران در کابل مذاکراتی با وزیر امور خارجه افغانستان در مورد هیرمند و حل اختلافات بین دو کشور انجام داد و مقرر کرد کمیسیون مشترکی تشکیل و نمایندگان دوطرف جلسه‌های خود را در مرز برگزار کنند تا بعد از بازدید محل و کسب اطلاعات لازم قضیه را پایان دهند [۲۰]. سرانجام بر اثر دیدگاههای مشترک حکومت‌های ملی در دو کشور (به همراه عهدنامه مودت) زمینه برای اولین مذاکرات مستقیم بین ایران و افغانستان در مورد تقسیم آب هیرمند فراهم شد. این مذاکرات در سال ۱۳۱۰ ه.ش. بین نمایندگان دوطرف صورت گرفت که دوطرف پیشنهاد تنصیف آب را پذیرفتند، اما در مورد مکان تقسیم آب به توافق نرسیدند [۲۱].

۷- تلاش افغانها برای توسعه کشاورزی در چخانسور و احداث نهرشاهی

استفاده بیشتر سیستمهای آب رودخانه هیرمند پایبتر از بند کوهک، افغانها را بر آن داشت تا با احداث کانالهایی در خاک خود بالاتر از بند کوهک، آب مورد نیاز خود را به سمت چخانسور جاری سازند تا نیازمند سیستمهای نباشند و بتوانند از این طریق کشاورزی خود در ناحیه چخانسور را توسعه دهند. به این جهت اقدام به ساختن کانال شاهی بالاتر از بند کوهک کردند؛ زیرا سیستمهای آب از طریق بند کوهک آب را بیشتر به سوی خود جاری می‌ساختند [۲۲].

غلامحسین رسته از اعضای کمیسیون مشترک هیرمند در مورد مشخصات نهر شاهی و تأثیر آن بر جریان آب هیرمند به سوی سیستان چنین می‌نویسد: «این نهر ۱۰ متر عرض و ۲/۵ متر عمق دارد که اگر در فصل کم آبی سدی را که در حال حاضر بسته‌اند، تکمیل نمایند، نصف بلکه بیشتر آب هیرمند را به آن طرف [چخانسور] خواهد برد.» [۲۳]. احداث نهر شاهی به وسیله افغانها و سیاست دولت افغانستان در جهت توسعه کشاورزی در حاشیه رودخانه هیرمند را باید سرآغازی برای اقدامات افغانها جهت محدود کردن سهم آب سیستان دانست.

۸- کم آبی سیستان در تابستان ۱۳۱۵هـ. ش. و عقد قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند

با وجود شکست مذاکرات کمیسیون مشترک هیرمند، فضای دوستانه حاکم بر روابط سیاسی بین دو کشور مانع از قطع کامل گفتگوها شد و دوطرف تمایل خود را جهت ادامه مذاکرات اعلام داشتند.

با شروع کاهش آب رودخانه و کم‌آبی در تیر ماه ۱۳۱۵هـ. ش.، افغانها برای تأمین آب مورد نیاز خود با محکم کردن بند لخشک در دهانه نهر مارنگی، تمام آب را به طرف زمینهای کشاورزی خود جاری ساختند؛ به گونه‌ای که مردم برخی از روستاهای سیستان جهت تأمین آب مورد نیاز خود مجبور به حفر چاه شدند [۲۴]. اقدام افغانها در بستن بند لخشک و جلوگیری از جریان آب به سمت سیستان باعث نابودی محصولات کشاورزی بخشی از روستاها و نواحی مرزی که هر ساله از آب این بند استفاده می‌کردند، شد و خشم کشاورزان سیستانی را برانگیخت. بر اثر تشدید کم‌آبی، گروهی از کشاورزان سیستانی به سد حمله و آن را تخریب کردند تا آب مورد نیاز خود را از طریق لخشک به طرف خود جاری سازند. سد لخشک هر ساله با مشارکت سیستمهای ایران و اهالی چخانسور بسته می‌شد و دوطرف آب مورد نیاز خود را در آن قسمت تقسیم می‌کردند.

تخریب بند لخشک از جانب سیستانیا موجب تنش گسترده‌ای در منطقه شد و وضعیت خطرناکی به وجود آورد، اما اقدامات دو کشور در سایه روابط دوستانه که با یکدیگر داشتند، مانع از گسترش اغتشاشات و زد و خورد بین کشاورزان دو طرف رودخانه شد [۲۵].

تخریب بند لخشک از سوی کشاورزان ایرانی نه تنها مانع ادامه مذاکرات نشد، بلکه دوطرف در سایه روابط دوستانه مذاکرات خود را برای تقسیم آب هیرمند به گونه‌ای که رضایت دو کشور حاصل شود، ادامه دادند. بر اساس روابط سیاسی دوستانه‌ای که در چارچوب همگراییهای منطقه‌ای بین ایران و افغانستان به وجود آمده بود، دو کشور سعی در حل اختلافات بین یکدیگر داشتند. بالاخره در پنجم شهریور ماه سال ۱۳۱۵ ه.ش.، هیأتی از دوطرف یکدیگر را ملاقات و آب رود هیرمند را از بند کمال خان تا بند لخشک، به‌طور نصف‌نصف به مدت یک سال تقسیم و توافق کردند که هر یک از دو طرف قادر باشند تا سهم آب خود را در خاک خود و از هر جایی که احتیاج داشته باشند، از رودخانه جدا کنند [۲۶].

در سال ۱۳۱۶ ه.ش. به دنبال امضای پیمان سعدآباد بین کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه و عراق دو کشور در چارچوب روابط منطقه‌ای، قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند را تمدید کردند [۲۷].

۹- قرارداد تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی

عقد قراردادهای موقت تقسیم آب در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ه.ش. بین ایران و افغانستان، در سایه روابط نزدیک دو کشور که در چارچوب تفاهمهای منطقه‌ای به وجود آمده قبل و بعد از عقد پیمان سعدآباد بود، دوطرف سعی در جلب رضایت همدیگر داشتند. پیمان سعدآباد به جلوه درآورنده تفاهمهای گسترده منطقه‌ای میان نسل جدیدی از سیاستمداران ناسیونالیست کشورهای ایران، ترکیه، افغانستان و عراق بود. این مسأله، نقطه عطفی در تاریخ منطقه است که قراردادهای منصفانه ایران با دیگر کشورهای همسایه در این دوره منعقد شد. این شرایط زمینه را برای دستیابی به توافق دائمی بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب رود هیرمند فراهم کرد. در سال ۱۳۱۷ ه.ش. باقر کاظمی برای ادامه مذاکرات جهت حل مسأله هیرمند به‌عنوان سفیر ایران به افغانستان اعزام شد و با انجام مذاکراتی با مقامات افغانی موفق شد تا قراردادی در ۱۶ ماده به همراه اعلامیه ضمیمه آن در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۱۷ در کابل با علی محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان امضا کند که طی آن در ماده اول قرارداد، دو کشور میزان آبی را که به بند کمال‌خان می‌رسید، به‌طور نصف‌نصف تقسیم می‌کردند. همچنین در ماده دوم قرارداد، دولت افغانستان متعهد شد که از چهار برجک تا بند کمال‌خان، کانال تازه‌ای احداث کرده و حتی تعمیر نکنند. طبق ماده هشتم قرارداد نیز دوطرف موافقت کردند

که از بند کمال‌خان تا ده دوست محمدخان و سیخ سر- که آخرین مکان تقسیم آب است- اقداماتی را که باعث کاهش سهم آب طرف مقابل شود، انجام ندهند. بقیه مفاد قرارداد مربوط به ایجاد تأسیساتی روی رودخانه و نحوه تقسیم و توزیع آب به وسیله مأموران دوطرف و تاریخ اجرای قرارداد و... بود. اعلامیه ضمیمه قرارداد نیز افغانستان را از انجام اقداماتی که سبب کاهش سهم آب ایران در بند کمال‌خان و ضرر رساندن به زراعت و آبیاری سیستان شود، منع می‌کرد [۲۸].

قرارداد مذکور و اعلامیه منضم به آن در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ ه.ش. از تصویب مجلس ملی ایران گذشت. هیأت انجمن شورای ملی افغانستان و مجلس عمومی شورای افغانستان قرارداد را به تصویب رساندند ولی از تصویب اعلامیه سرباز زدند. عدم تصویب اعلامیه از طرف مجلس افغانستان، مانع از اجرای مفاد قرارداد شد [۲۹].

اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ ه.ش. و مشکلات پس از آن، این اجازه را به افغانیها داد تا برای احداث سدهای مخزنی و انحراف و انشعاب کانالهایی از هیرمند با آمریکاییها به توافق برسند [۱۰، ص ۱۳۷]. در سال ۱۳۲۴ ه.ش. افغانیها ساخت کانال بقرا را که مدتی متوقف شده بود، مجدداً آغاز کردند. این کانال می‌توانست در زمان کم آبی رودخانه تمام آب هیرمند را به سوی خود جاری سازد. کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۴ ه.ش. و احداث کانال بقرا موجب اضطراب و وحشت اهالی سیستان شد [۳۰].

۱۰- تشکیل کمیسیون بی‌طرف هیرمند

در سال ۱۳۲۶ ه.ش. کاهش بارندگی در بخش علیای هیرمند موجب کم آبی شدید در بخش دلتای رودخانه شد؛ به‌گونه‌ای که مجرای رودخانه در بخش سفلی، برای مدتی کاملاً خشک شد [۳۱]. علاوه بر خشکسالی، استفاده زیاد افغانیهای بالاتر از بند کوهک، کم آبی در سیستان را نیز تشدید کرد. خشکسالی و کمبود آب موجب خسارت گسترده‌ای به کشاورزان ایرانی و افغانی شد که عده‌ای از مردم مجبور به مهاجرت از سیستان به سایر نواحی ایران شدند [۳۲]. در این زمان دولت ایران تصمیم گرفت هیأتی برای بررسی علت کم آبی سیستان و بازدید از حاشیه هیرمند به افغانستان اعزام کند. این مسأله مورد موافقت افغانها قرار نگرفت. به دنبال آن دولت ایران تصمیم گرفت تا موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد. با توجه به اوضاع سیاسی جهان آن روز و رقابت شوروی و ایالات متحده آمریکا، دولت آمریکا ایران را از طرح مسأله تقسیم آب هیرمند در شورای امنیت منصرف کرد و پیشنهاد تشکیل کمیسیونی بی‌طرف برای حل مسأله تقسیم آب هیرمند را داد که مورد موافقت دو کشور قرار گرفت [۳۳].

با توافق دو کشور برای تشکیل کمیسیون بی‌طرف هیرمند، دولت ایران یکی از کارشناسان فنی خود را برای بازدید از حاشیه هیرمند و بررسی تأسیسات ساخته شده روی آن به افغانستان اعزام کرد. تشکری، کاشناس ایرانی، در گزارشی تحت عنوان «بررسی علل کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۷ ه.ش.» خشکسالی سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ش.، حفر نهر سراج و ایجاد امنیت در افغانستان و توجه دولت به امر کشاورزی در این کشور را علت اصلی کم آبی در سال ۱۳۲۷ ه.ش. دانست [۳۴]. دولت آمریکا همچنین، در ماه مارس سال ۱۹۵۰ م. (۱۳۲۹ ه.ش.) سه نفر متخصص در این زمینه را از کشورهای شیلی، کانادا و ایالات متحده برای عضویت در کمیسیون انتخاب کرد. کمیسیون بی‌طرف «مقدار آب لازم برای سیستان را ۶۲/۰ میلیارد متر مکعب در سال، یعنی به‌طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه تعیین کرد» [۳۵]. این میزان در سالهای کم آبی کاهش پیدا می‌کرد و به هیچ عنوان با نیازهای آبی منطقه سیستان مطابقت نداشت و کاملاً به ضرر ایران بود. گزارش کمیسیون بی‌طرف موضع ایران را در قبال مسأله هیرمند تا حدود زیادی تضعیف کرد. در مذاکرات بعدی دولت افغانستان همواره به نظرات کمیسیون بی‌طرف استناد می‌کرد و آن را مبنای مذاکره با ایران در زمینه تقسیم آب هیرمند می‌دانست. به این ترتیب اسناد کمیسیون بین‌المللی هیرمند تبدیل به جزئی از تاریخ اختلافات بین ایران و افغانستان در مورد هیرمند شد که گریزی از اسناد آن وجود ندارد.

۱۱- تلاش افغانها برای محدود کردن سهم آب ایران بر اساس نظرات کمیسیون بی‌طرف

در سال ۱۳۳۲ ه.ش. افغانستان با تکمیل سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی، محدودیت بیشتری برای جریان آب رودخانه هیرمند به سمت سیستان ایجاد کرد. آگیری سدهای مذکور موجب کاهش جریان آب به سمت سیستان و قطع آن در دوره کوتاهی شد که منجر به وارد آمدن خساراتی به مردم سیستان و انجام اعتراضاتی از جانب آنها گردید [۳۶]. پس از اعلام نظرات کمیسیون بی‌طرف هیرمند، افغانها سعی کردند تا میزان آب جاری به سیستان را به ۲۲ متر مکعب در ثانیه محدود سازند.

کاهش بارندگی در سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ ه.ش. در قسمت علیای رودخانه باعث ادامه کم آبی ناحیه سیستان در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ه.ش. شد. وجود سدهای مخزنی کجکی و ارغنداب نیز این مسأله را تشدید می‌کرد که سبب زیان و خسارت زیادی به سیستان شد [۳۷]. سرانجام به دنبال مشکلات ایجاد شده بین افغانستان و پاکستان بر سر منطقه

پشتونستان، دولت افغانستان پذیرفت که از طریق مذاکرات مستقیم در واشنگتن به مشکل تقسیم آب هیرمند پایان داده شود [۳۸]. این مذاکرات در سال ۱۳۳۵ ه. ش. بین نمایندگان دو کشور انجام شد که افغانیها حاضر به پذیرفتن میزانی بیشتر از ۲۲ متر مکعب به عنوان سهم آب سیستان که پیشتر از سوی کمیسیون بی طرف هیرمند پیشنهاد شده بود، نشدند [۳۹].

۱۲- موقعیت ژئوپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر تقسیم آب هیرمند

از دهه ۱۳۲۰ ه. ش. به بعد کشور افغانستان صحنه رقابت گسترده سیاسی بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی ناشی از ملاحظات ژئواستراتژیک آنها در افغانستان بود. هر یک از قدرتهای فوق سعی داشتند با اعطای کمکهای اقتصادی و پرداخت وام به کشور افغانستان منافع خود را در این قسمت از آسیا حفظ کرده و کشور افغانستان را در حوزه نفوذ خود قرار دهند.

ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۳۲۰ ه. ش. با پرداخت وام برای ساخت تأسیسات آبیاری بر روی رودخانه هیرمند به کمک افغانستان آمد. در مجموع میزان کمکهای آمریکا به افغانستان بالغ بر ۴۵۰ میلیون دلار به صورت وام و کمکهای بلاعوض شد که عموماً در زمینه خطوط ارتباطی، پروژه هیرمند، افزایش تولیدات کشاورزی و امور آموزشی بود. همچنین در همین مدت سپاه صلح آمریکا به فعالیت خود در افغانستان ادامه داد [صص ۱۷۳-۱۷۴]. دولت ایالات متحده با اعطای کمکهای مذکور، به دنبال حفظ دولت افغانستان تحت نفوذ غرب و جلوگیری از نفوذ شوروی بود. از طرف دیگر دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز بنا بر همان ملاحظات به دنبال حفظ افغانستان در حلقه بلوک شرق بود، مجموع وام و کمکهای شوروی برای برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی افغانستان از سال ۱۹۵۵ م. (۱۳۳۴ ه. ش.) تا دسامبر ۱۹۷۴ م. (۱۳۵۳ ه. ش.) بیش از یک میلیارد دلار بود که این کمکها در طرحهایی از جمله آبیاری، احداث واحدهای تولید برق و کارخانه‌ها و ساختمان سیلو به کار برده شد [ص ۹۸].

محمود صلاحی، سفیر ایران در کابل در گزارش از وضعیت سیاسی افغانستان، تصویر نسبتاً روشنی از رقابتهای سیاسی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و تأثیر آن بر مسأله هیرمند ارائه می‌دهد:

«دولت آمریکا نظر به حفظ مصالح خود با دادن وام و ساختمان سدهای کجکی و ارغنداب و بقرا و دیگر کمکهای فنی نفوذ خود در افغانستان را تحکیم نموده و از طرف دیگر افغانستان روابط نزدیکی با دولت شوروی پیدا کرده به طوری که متخصص و کارگر به

افغانستان وارد نموده و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. به اضافه ساختمان مخازن نفت در شمال و در شهر کابل به عمال دولت شوروی محول گردیده است و روابط بازرگانی آنها با دولت شوروی توسعه یافته... ایجاد روابط و مناسبات مذکور بالنتیجه موجب رقابت سیاسی بین دولتین آمریکا و شوروی در افغانستان گردیده و انتظار هرگونه مساعدت را از طرف آمریکاییها نسبت به ایران در حل قضیه اختلاف هیرمند غیر عملی نموده است» [۴۱].

۱۳- هیرمند و روابط منطقه‌ای ایران و افغانستان

از سال ۱۳۳۶ ه.ش. دولت ایران به تبعیت از آمریکا درصدد نزدیکی با افغانستان برآمد و کمیسیونی برای اعطای کمکهای اقتصادی به افغانستان تشکیل داد [۴۲، ص ۱۲۸]. در سال ۱۳۳۷ ه.ش. به دنبال روابط دوستانه دو کشور، پادشاه افغانستان ۴ متر مکعب بر رقم پیشنهادی کمیسیون بی‌طرف هیرمند به سهم ایران برای پایان دادن به موضوع تقسیم آب هیرمند افزود و دو طرف مذاکرات خود را برای حل مسأله ادامه دادند [۴۳].

در شهریور ماه ۱۳۳۸ ه.ش. دولت افغانستان تصمیم به ساخت یک سد انحرافی و یک سد مخزنی در بخش سفلی رودخانه هیرمند در منطقه چخانسور داشت. دولت افغانستان تصمیم داشت بر اساس نظر کمیسیون بی‌طرف سهم آب ایران را تعیین کرده و از جریان میزانی بیشتر از آن (طبق نظر کمیسیون بی‌طرف به میزان ۲۲ متر مکعب) به سمت ایران جلوگیری کند [۴۴].

رقابت گسترده آمریکاییها با دولت جماهیر شوروی در افغانستان، امکان رد پیشنهاد افغانیها از جانب دولت ایالات متحده را دشوار می‌کرد. دولت ایران با فشار سیاسی به آمریکاییها مانع از کمک ایالات متحده به افغانستان برای احداث این تأسیسات شد و آمریکاییها در پاسخ به سران افغانی احداث سد را مشروط به حل مسأله تقسیم آب هیرمند بین دو کشور دانستند [۴۵]. تلاش دو کشور برای حل مشکل تقسیم آب هیرمند به همراه شرط دولت آمریکا برای احداث سد در چخانسور افغانستان، در نهایت موجب مذاکرات اواخر اسفند ۱۳۳۸ ه.ش. شد. در این مذاکرات طرف افغانی بر نظریات کمیسیون بی‌طرف هیرمند برای تعیین حقا به سیستان تأکید داشت که دوطرف به نتیجه‌ای دست نیافتند [۴۶، صص ۱-۶]. بعد از مذاکرات سال ۱۳۳۸ ه.ش. ایران همواره روابط نزدیکی با افغانستان داشت. دولت ایران مسأله هیرمند را جهت جلب رضایت افغانیها به‌طور جدی پیگیری نمی‌کرد، افغانستان نیز در سایه روابط نزدیک دو کشور تأمین آب مورد نیاز سیستان را مد نظر قرار داده بود [۴۷، ص ۱۴۲]. در سال ۱۳۴۱ ه.ش. با وجود کمی بارندگی و کم آبی در بخش علیای هیرمند

دولت افغانستان تلاش گسترده‌ای برای رفع کم آبی سیستان با کاهش مصرف آب در افغانستان انجام داد [۴۸].

۱۴- معاهده تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۵۱ هـ. ش.

سال ۱۳۴۵ هـ. ش. بار دیگر مذاکرات برای حل مسأله هیرمند میان دو کشور آغاز شد. در این دوره از مذاکرات، ایران خواستار انجام طرحها و سرمایه‌گذاری مشترک در حوضه هیرمند برای تأمین آب مورد نیاز سیستان شد [۱۰، صص ۳-۴۶۲]. در جریان مذاکرات بین دو کشور در سال ۱۳۴۹ خشکسالی هولناکی در منطقه دلتا رخ داد که منجر به مهاجرت عده زیادی از مردم سیستان به گرگان، ترکمن صحرا و مشهد شد [۴۲، ص ۱۲۸]. در همین سال به مدت ۲۳ روز جریان آب رودخانه سیستان (بزرگترین شاخه‌ای از هیرمند که به سمت ایران جاری است) به‌طور کامل قطع شد و آبی از داخل رودخانه هیرمند به سمت ایران جریان نداشت. همچنین، میزان آب ورودی از رودخانه سیستان و کانالهای منشعب از رود پریان مشترک (هیرمند) به کمترین میزان، یعنی ۱۸۹ میلیون متر مکعب کاهش یافت [۴۹]. با وجود کم آبی شدید در سراسر حوضه رودخانه، دو کشور با ادامه مذاکرات، سرانجام در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ هـ. ش. موفق به امضای معاهده تقسیم آب هیرمند شدند. بر اساس این معاهده مقدار آبی که از رود هیرمند در سال طبیعی و پراآبی از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شد، به‌طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه (طبق نظر کمیسیون بی‌طرف هیرمند) و یک مقدار اضافی به میزان ۴ متر مکعب در ثانیه بود که این میزان در سالهای کم آبی کاهش می‌یافت و دولت ایران نمی‌توانست بر بیشتر از این میزان، حتی در صورت وجود میزان بیشتری از آب در دلتای هیرمند، ادعا داشته باشد [۵۰].

اجرای مفاد قرارداد ۱۳۵۱ هـ. ش.، یعنی تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان، می‌توانست به زندگی سیستان لطمه شدیدی وارد سازد، کاهش سهم آب سیستان بیش از ۶۰ متر مکعب در ثانیه در سالهای عادی و زمان جریان طبیعی رودخانه به ۲۶ متر مکعب در ثانیه، به‌طور مسلم موجب کاهش سطح زیر کشت در سیستان و از بین رفتن بخش وسیعی از زمینهای کشاورزی آن ناحیه می‌شد. این میزان به هیچ وجه نیازهای آب منطقه سیستان را تأمین نمی‌کرد. همچنین، بیشترین میزان کل حقا به سیستان، ۶۷ درصد، طبق جدول تقسیم جریان آب در ماههای مختلف سال، در فصل زمستان تحویل ایران داده می‌شد که از نظر مقدار و چگونگی توزیع با نیازهای آب آبیاری منطقه سیستان، هیچگونه مطابقتی نداشت [۴۷، ص ۱۸۰].



در مورد آبگذر اضافی رودخانه هیرمند، با توجه به اینکه ایران طبق ماده پنجم معاهده قادر به هیچ‌گونه ادعایی نسبت به میزان بیشتر از سهم آب خود (۲۶ متر مکعب در ثانیه) از آب هیرمند و در خصوص سیلابهای این رودخانه نبود، دولت افغانستان می‌توانست آب اضافی را در محل سد انحرافی کمال‌خان به بیابان گودزره منحرف کند یا با استفاده گسترده در بخش علیای رودخانه آن را ذخیره و سپس مصرف کند که در این صورت ضمن خشک شدن دریاچه هامون و بر هم خوردن تعادل محیط زیست در منطقه سیستان، موجب وارد آمدن خسارت گسترده اقتصادی به مردم سیستان می‌شد. دریاچه هامون نقش عمده‌ای در حیات اقتصادی سیستان از طریق تأمین علوفه دام و دامداری، صید و ماهیگیری، حصیر بافی و شکار و... دارد.

ترس دولت ایران از سرنوشت افغانستان با توجه به مقاصد شوروی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا جهت کمک به افغانستان و برای تحکیم روابط با این کشور این اختلاف قدیمی را حل کند. ایران با اعطای یک کمک اقتصادی ۳۰۰ میلیون دلاری و دادن وعده کمکهای اقتصادی بیشتر و کوتاه آمدن از مواضع خود در رابطه با آب هیرمند و در اختیار قراردادن راههای ارتباطی برای دسترسی به خلیج فارس، به دنبال این بود تا این کشور را تشویق کند تا از اردوگاه نفوذ شوروی خارج شود و به‌عنوان یکی از اقمار ایران به اردوگاه نفوذ غرب بپیوندد [۱۰، ص ۴۱۲].

قرارداد ۱۳۵۱ ه.ش. در تابستان ۱۳۵۲ ه.ش. به مجلس شورای ملی ایران ارائه شد که موجب مخالفت‌های شدیدی بر ضد آن گردید ولی با وجود این، قرارداد از تصویب مجلس شورای ملی ایران گذشت. این قرارداد در افغانستان نیز به تصویب مجلس شورای ملی و سنای این کشور رسید. اما تغییر رژیم پادشاهی افغانستان در تیر ماه ۱۳۵۲ ه.ش. در اثر کودتای سردار محمد داود خان، مانع از مبادله اسناد معاهده هیرمند شد.

بعد از شکلگیری دولت جدید در افغانستان، ایران سعی کرد تا کمکهای اقتصادی به افغانستان را ادامه دهد و با انجام طرحهای مشترک بر روی رود هیرمند و خرید آب از آن کشور آب مورد نیاز سیستان را تأمین کند، اما تعارض در دیدگاههای دو طرف مانع از دستیابی به توافق بین آنها شد [۵۱].

با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش. در ایران و حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ م. (۱۳۵۷ ه.ش.) موضوع طرحهای مشترک به فراموشی سپرده شد. آشفتگی اوضاع داخلی افغانستان با حمله شوروی و سپس وقوع جنگهای داخلی در این کشور مانع از انجام هرگونه کنترلی از سوی افغانیها بر جریان آب هیرمند گردید.

در سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ هـ.ش. وقوع خشکسالی و کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه باعث کاهش جریان آب هیرمند به سمت سیستان شد. وجود سدهای مخزنی چاه نیمه در سیستان به ظرفیت ۶۶۰ میلیون متر مکعب مانع از تشدید کم آبی سیستان و مهاجرت مردم محلی از این منطقه شد. از سوی دولت ایران نیز اعتراضاتی بر کاهش جریان آب رود هیرمند به سمت ایران صورت گرفت که دولت افغانستان علت این مسأله را کاهش بارندگی عنوان کرد. آشفتگی اوضاع سیاسی دو کشور نیز مانع از توجه زیاد به این موضوع شد.

۱۵- روابط سیاسی ایران و افغانستان و وضعیت جریان آب هیرمند بعد از خروج شوروی

پس از خروج شوروی از افغانستان، دولت ایران خواستار شکلگیری یک حکومت نیرومند مرکزی در این کشور شد. ایران این رویه را تا زمان تصرف کابل به وسیله نیروهای افراطی طالبان ادامه داد. در سال ۱۹۹۶ م. (۱۳۷۵ هـ.ش.) گروه طالبان با تصرف کابل و به کنترل در آوردن بخشهای وسیعی از افغانستان به قدرت رسیدند که به مدت ۵ سال ادامه یافت. اسلام انحرافی طالبان که ارائه کننده چهره ترسناکی از اسلام بود به همراه خشونت این گروه علیه شیعیان افغانستان سبب شد تا دولت ایران از به رسمیت شناختن آنان خودداری کرده و از جبهه اتحادشمال در افغانستان برای مقابله با طالبان حمایت کند. روابط ایران با حکومت طالبان پس از تصرف کنسولگری ایران در مزارشریف و قتل نه دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سال ۱۹۹۸ م. (۱۳۷۷ هـ.ش.) بدتر شد [۵۲، صص ۱-۹].

در زمان حکومت طالبان در افغانستان خشکسالی هولناکی در بخشهای وسیعی از آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و پاکستان رخ داد که به مدت چهار سال ادامه یافت. خشکسالی در افغانستان موجب کاهش جریان آب هیرمند به سمت ایران و سپس قطع کامل آن از اواخر سال ۱۳۷۸ شد که زیانهای شدیدی به مردم ساکن در حاشیه رودخانه در ایران و افغانستان وارد کرد در سال ۱۳۷۹ هـ.ش. (۲۰۰۰ م.) جریان سالیانه آب هیرمند به سوی سیستان به میزان ۹۸ درصد کمتر از متوسط سالیانه بود و در سال آبی ۷۹-۱۳۸۰ هـ.ش. (۲۰۰۰-۲۰۰۱ م.) تنها ۴۸ میلیون متر مکعب آب به سیستان جریان یافت و دریاچه هامون به طور کامل خشک شد. نماینده سازمان ملل علت این موضوع را کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه اعلام کرد و افزود: وسعت منطقه برفگیر رودخانه در بخش علیا که تغذیه کننده آب رودخانه می باشد از ۴۱ هزار کیلومتر مربع به ۲۶ هزار کیلومتر مربع بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ هـ.ش. کاهش یافته است که این مسأله باعث کاهش فوق العاده شدید جریان آب هیرمند به سمت

ایران شده است [۵۳].

کاهش بارندگی در قسمت علیای رودخانه و تضاد در دیدگاه‌های سیاسی گروه‌های حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قراردادن ایران از سوی گروه طالبان فراهم کرد و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریاچه سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد. تشدید کم آبی در سیستان دولت ایران را بر آن داشت تا دست به اقداماتی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای برای مشخص کردن علت این مسأله (کم آبی) و حل آن بزند. در جولای سال ۲۰۰۰م. (تیرماه ۱۳۷۹ ه. ش.) با موافقت حکومت طالبان، هیأت مشترکی از کارشناسان آب دو طرف ایران و افغانستان از سد کجکی و ایستگاه اندازه‌گیری آب در دهرآوود بازدید کردند. با اندازه‌گیری آبگذر رودخانه در دهرآوود مشخص شد دبی آبی رودخانه ۴۶/۸ متر مکعب در ثانیه است و سد کجکی نیز دارای یک میلیارد متر مکعب ذخیره آب می‌باشد. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل نیز طی نامه‌ای در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱م. به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که دولت افغانستان با بستن دریاچه‌های سد کجکی مانع جریان آب هیرمند به سوی ایران شده است [۵۴].

۱۶- حکومت انتقالی افغانستان و جریان آب هیرمند

با برچیده شدن حکومت طالبان در افغانستان و استقرار حکومت جدید به وسیله نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۸۰ ه. ش.، فصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور گشوده شد. در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ ه. ش. حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان به همراه هیأتی عالی رتبه به ایران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار کرد. در این سفر دو کشور سند همکاری امضا کردند. در بند سیزدهم آن که به امضای سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران و حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان رسید، دوطرف بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ ه. ش. برای تقسیم آب هیرمند تأکید کردند [۵۵].

سرانجام، بارندگی فراوان در بخش علیای رودخانه در زمستان ۱۳۸۱ ه. ش. موجب جریان آب هیرمند در اواخر سال به سوی سیستان شد. در فروردین ماه ۱۳۸۲ ه. ش. با پر شدن سد کجکی و سر ریز شدن آب آن، دبی رودخانه به بیش از ۳۵۰ متر مکعب در ثانیه رسید [۵۶].

خشکسالی گسترده در حوضه رودخانه هیرمند (که به مدت ۵ سال ادامه یافت) در منطقه سیستان موجب خشک شدن دریاچه هامون، نابودی کشاورزی در ناحیه سیستان و خسارت

فراوانی به افغانیهای ساکن در بخش میانی و دلتای هیرمند گردید و مهاجرت ۳۲۰ هزار افغانی به ایران را سبب شد [۵۷].

۱۷- نتیجه گیری

نوسان آب هیرمند یکی از عوامل مؤثر بر روابط سیاسی ایران و افغانستان بوده است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان به نتایج ذیل دست پیدا کرد:

۱- حکمیت گلد اسمید در سال ۱۸۷۲م، موجب تقسیم سیستان به دو قسمت سیستان بیرونی و سیستان درونی و تقسیم حوضه رودخانه هیرمند در بخش دلتا میان ایران و افغانستان شد. قسمتی از مسیر رودخانه در بخش دلتا به‌عنوان مرز مشترک میان دو کشور تعیین شد و رود هیرمند به صورت یک رودخانه بین المللی در آمد که اختلاف بر سر تقسیم آب بین ساکنان دو سوی مرز را به وجود آورد.

۲- در یکصد سال گذشته افغانها با ساخت سدهای مخزنی و انحرافی روی رود هیرمند و جداکردن کانالهای متعددی از آن، میزان آب جاری به سمت ایران (سیستان) را کاهش داده‌اند. این موضوع در مواقع خشکسالی در بخش علیای رودخانه کم آبی سیستان را تشدید کرده است.

۳- قرار گرفتن سیستان در بخش انتهایی حوضه هیرمند و وابستگی شدید آن به آب هیرمند، ناحیه سیستان را بشدت آسیب‌پذیر کرده است. افزایش مصرف آب هیرمند در افغانستان در صد سال گذشته و کاهش آب جاری به سمت سیستان باعث کوچکتر شدن مساحت هامون، کاهش وسعت زمینهای کشاورزی سیستان و در نهایت سبب مهاجرت تعداد زیادی از جمعیت این منطقه شده است.

۴- قرار گرفتن ۹۵ درصد از مسیر هیرمند در افغانستان، استفاده بیشتر افغانها از آب هیرمند و وابستگی زیاد ولایتهای جنوب و جنوب غربی افغانستان به آب این رودخانه موجب شده است تا مسأله تقسیم آب هیرمند به‌صورت موضوع ملی که مورد توجه عموم مردم کشور است، در آید. این مورد تصمیم‌گیری درباره تقسیم آب هیرمند از سوی دولت افغانستان و حل این مشکل بین دو کشور را دشوار کرده است.

۵- قراردادهای موقت و دائمی تقسیم آب بین ایران و افغانستان در سالهای ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ و ۱۳۵۱ه.ش. تحت تأثیر روابط منطقه‌ای بین دو کشور منعقد شد.

۶- نفوذ قدرتهای خارجی در افغانستان و حمایت آنها از این کشور برای جلب رضایت افغانها، همواره در مورد مسأله تقسیم آب هیرمند به زیان ایران بوده است.

۷- آمریکاییها با احداث سدها و کانالهایی روی رود هیرمند بعد از دهه ۱۳۲۰هـ.ش. و جانبداری از افغانستان در رأی کمیسیون بی‌طرف هیرمند موضع ایران در قبال مسأله تقسیم آب هیرمند را بشدت تضعیف کردند. رأی کمیسیون بی‌طرف هیرمند بهانه مناسبی به دست افغانها داد که پس از آن همواره سهم آب مورد نیاز سیستان را ۲۲ متر مکعب در ثانیه می‌دانستند و حاضر به پذیرفتن میرانی بیشتر از آن نبودند.

۸- قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۱۵هـ.ش. آب رودخانه را به‌طور نصف نصف پس از بند کمال‌خان بین ایران و افغانستان تقسیم کرد و اجرای آن به‌وسیله کمیساران محلی سبب شد که منازعات و زد و خوردهای محلی بر سر استفاده از آب هیرمند بین ساکنان سیستان و چخانسور رفع شود.

۹- قرار داد تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۵۱هـ.ش. بین ایران و افغانستان تحت تأثیر روابط منطقه‌ای ایران برای جلوگیری از نفوذ شوروی و حفظ آن در پایگاه غرب منعقد شد. طبق این قرار داد سهم آب ایران از رود هیرمند ۲۶ متر مکعب در ثانیه می‌باشد که به هیچ وجه نیازهای آبی سیستان را تأمین نمی‌کند. اجرای این قرار داد باعث خشک شدن دریاچه هامون و وقوع فاجعه در محیط زیست سیستان می‌شود که لطمه بزرگی به اقتصاد این ناحیه وارد خواهد کرد.

۱۰- بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷هـ.ش. همواره با کاهش جریان آب هیرمند، دولت ایران ضمن اعتراض از مجرای سیاسی، خواستار جریان آب هیرمند به میزان تعیین شده در قرارداد ۱۳۵۱هـ.ش. و اجرای مفاد این قرارداد شده است. بدون اینکه پیامد اجرای این قرارداد را مورد توجه قرار دهد.

۱۱- قراردادن سرچشمه‌ها و بخش وسیعی از حوضه رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، این کشور را به لحاظ ژئوپلیتیکی در موضع فرادستی و کشور ایران را در موضع فرودستی قرار داده است و سبب شده است تا دولت افغانستان از هیرمند به‌عنوان ابزار سیاسی، سیاست خارجی و مواضع ایران را تحت الشعاع قرار داده و در مواقع خاص امتیاز بگیرد. این در شرایطی است که ایران به‌طور عمده از طریق رودخانه هیرمند و هریرود به منابع آبی خارج از مرزهای خود و به‌طور مشخص به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود.

۱۸- منابع

[1] Braden K., Shelly F.; Engaging geopolitic; London: Person Education, 2000.

[۲] ماتسو ک.چ؛ آب میراث مشترک بشر؛ ترجمه: ح.ر. نعیمی، روزنامه همشهری، اول اردیبهشت ۱۳۸۲، ش ۳۰۲۹، ۱۳۸۲.

[۳] براون ل؛ اقتصاد زیست محیطی (راه حل بحران محیط زیست)؛ ترجمه: ح. طراوتی؛ نشر هوای تازه، تهران، ۱۳۸۱.

[4] Sawin A.; "Water wars: fact or fiction?"; Futures, No.33, 2000.

[5] Toset H.P.W.; Gleditsch N.P., Hegre H.; "Shared rivers and interstate conflict"; *Political Geography*, No.19, 2000.

[۶] بس کرر ن؛ آب، امنیت و خاورمیانه؛ ترجمه: پ. ایزدی؛ چ ۱، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین، تهران، ۱۳۷۲.

[۷] کلار م؛ «جغرافیای جدید منازعات»؛ ترجمه: د. رضایی اسکندری؛ فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۶، ش ۱، ۱۳۸۱.

[۸] مطالعات شناسایی حوضه آبریز رودخانه هیرمند (سیستان و پرنیان)؛ وزارت آب و برق و تهران، کتابخانه وزارت نیرو، ۱۳۵۱.

[۹] طرح جامع آب کشور حوضه آبریز رود هیرمند؛ شرکت مهندسی مشاور جاماب، وزارت نیرو، ۱۳۷۸.

[۱۰] مجتهدزاده پ؛ امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران؛ ترجمه: ح.ر. ملک محمد نوری؛ تهران: نشر شیرازه، به نقل از:

from Indian Government to Goldsmid, dated 16, may 1871, No.905p.Fo 60/388.

[۱۱] زند فرد ف؛ ایران و جهانی پر تلاطم؛ تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۸.

[۱۲] حکمیت مک ماهون، مورخ دهم آبریل ۱۹۰۵، اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۶، پرونده ۱۰، سال ۱۳۲۲ق.

[۱۳] از طرف گمرک به نصران... مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران، مورخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۰ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۷، پرونده ۹، ۱۳۲۰ق.

[۱۴] محمدعلی؛ استخراج تلگراف رمز از لندن، مورخ ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۰ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۶، پرونده ۱/۱، ۱۳۲۰ق.

[۱۵] گزارش کارگزاری سیستان به وزارت امور خارجه ایران، تاریخ سند روشن نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۷، پرونده ۹، ۱۳۲۰ق.

[16] From McMahon to secretary to the indian government in the foreign Dept; No.128, dated camp Kohak, en closure 66, Fo 60/725, 19 Nov1903.

[۱۷] ترجمه نامه محرمانه سفارت انگلیس در باب تقسیم آب هیرمند، تاریخ سند روشن نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۴، پرونده ۱۱، ۱۳۲۲ق.

[۱۸] نویسنده و تاریخ سند مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۶، پرونده ۸، ۱۳۲۳ق.

[۱۹] مراسله سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه ایران، مورخ سوم صفر ۱۳۲۳ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۵، پرونده ۷، ۱۳۲۲ق.

[۲۰] از طرف خلعتبری سفیر ایران در کابل به وزارت امور خارجه، تاریخ نامه مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۵، پرونده ۱۱۶، ۱۳۰۹ق.

[۲۱] محمد ابراهیم علم؛ گزارش کمیسیون هیرمند؛ سواد راپورت آقایان شیرازی و افشار، مورخ ۶ دی ۱۳۱۰ شمسی، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۰، پرونده ۱۱۶، ۱۳۱۱.

[۲۲] گزارش نصرا... بهمن به وزارت امور خارجه ایران؛ تاریخ سند مشخص نیست، اسناد

وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۵، پرونده ۱۱۶، ۱۳۱۲ ق.

[۲۳] گزارش غلامحسین رسته به وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران؛ مورخ ۲۲

فروردین سال ۱۳۱۱ ش، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۰، پرونده ۱۱۶،

۱۳۱۱.

[۲۴] تلگراف سمیعی معاون وزارت امور خارجه ایران به سفارت دولت شاهنشاهی ایران در

کابل، مورخ ۶ تیر ماه ۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳، پرونده ۳،

۱۳۱۵.

[۲۵] از طرف سرلشگر ضرغامی کفیل ستاد ارتش (وزارت جنگ، ستاد ارتش) به وزارت

امور خارجه ایران، مورخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳،

پرونده ۳.

[۲۶] قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند بین دولتهای ایران و افغانستان؛ مورخ ۵ شهریور

۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳، پرونده ۳.

[۲۷] از طرف حسن دیبائیان از اداره فلاحت زابل به اداره کل فلاحت، مورخ ۱۸ مهر ۱۳۱۶،

اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳، پرونده ۳، ۱۳۱۶.

[۲۸] قرارداد تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان در سال ۱۳۱۷؛ مورخ ۸ دی ماه ۱۳۱۷،

اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل)، کارتن ۱۰۵، پرونده ۹۹، ۱۳۱۷.

[۲۹] از طرف وزارت امور خارجه ایران به نخست وزیری، مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۲۰، شماره

۲۵۷، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه پهلوی اول، پرونده ۵۷.

[۳۰] از طرف وزیر کشاورزی به وزارت امور خارجه؛ مورخ ۸ آذر ۱۳۲۴، شماره ۱۴۶۷۴،

- اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۱، پرونده ۳، ۱۳۲۴.
- [۳۱] گزارش ه.ج پولستر وابسته کشاورزی سفارت آمریکا در تهران درباره وضع کشاورزی سیستان؛ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۷ (۲۵ شهریور ۱۳۲۶)، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۷، پرونده ۳-۱۷۲، ۱۳۲۶.
- [۳۲] از طرف مهندس شفیع‌ی رئیس اداره کشاورزی شهرستان زابل به نخست وزیر، مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۷، شماره ۳۰۱۳، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه پهلوی دوم، پرونده ۷۲۴۵.
- [۳۳] گزارش وزیر امور خارجه ایران به نخست وزیر، مورخ ۱ آبان ۱۳۳۳، شماره نامه ۴۹۷۶، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده گی کابل)، کارتن ۳۸، پرونده ۲۲۷، ۱۳۳۳.
- [۳۴] گزارش مهندس تشکری از حاشیه هیرمند در مورد علل کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۷، تاریخ سند دقیقاً مشخص نیست، ضمیمه پرونده اداره عهد و امور حقوقی هیرمند، کتابخانه وزارت نیرو.
- [۳۵] اظهار نظر حقوقی نسبت به گزارش کمیسیون بی طرف هیرمند، دکتر خوشبین، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۶، پرونده ۲۷، ص ۱، ۱۳۳۱ش..
- [۳۶] از اداره مرزبانی به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۱۰ دی ۱۳۳۲، شماره نامه ۵۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده گی کابل)، کارتن ۲۲۲، پرونده ۳۸، ۱۳۳۲ش..
- [۳۷] اسناد وزارت امور خارجه ایران نماینده گی کابل؛ کارتن ۳۸، پرونده ۲۲۷، ۱۳۳۳.
- [۳۸] گزارش ماهیانه رئیس اداره پنجم سیاسی وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی، محمد قوام به نخست وزیر، خرداد ماه ۱۳۳۴، مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۴، مرکز اسناد ریاست

جمهوری، پایگاه پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۱ش)، پرونده ۱۷۶۱.

[۳۹] از طرف علی امینی سفیر کبیر ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۳۵، شماره م/۶م، مذاکرات هیأت اعزامی به واشنگتن راجع به رودخانه هیرمند، نسخه دوم، تهران، کتابخانه وزارت نیرو.

[۴۰] حاجیان؛ «نگرش بر تاریخ دیپلماسی افغانستان»؛ مجموعه مقالات پیرامون افغانستان، مرکز تحقیقات افغانستان، تهران، ۱۳۷۰.

[۴۱] از طرف محمود صلاحی سفیر دولت شاهنشاهی ایران در کابل به آقای انتظام وزیر امور خارجه ایران، مورخ ۷ بهمن ۱۳۳۳، شماره ۱۲۴، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده کابل) کارتن ۲۲۷، پرونده ۳۹، ۱۳۳۳.

[۴۲] کوهستانی نژاد م؛ هیرمند، منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای، پیشین، ص ۱۲۸، به نقل از سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۱-۱۳۶-۲-۲۹۰-۱۳۸۲.

[۴۳] روزنامه کیهان؛ ۴ بهمن ۱۳۳۷ش، شماره ۴۶۷۶، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده کابل)، کارتن ۲۵۱، پرونده ۱۱۹، ۱۳۳۷.

[۴۴] از طرف محمد شایسته سفیر ایران به وزارت امور خارجه ایران؛ مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۸ش، شماره ۱۷۰۲، اسناد وزارت امور خارجه (نماینده کابل)، کارتن ۲۵۸، پرونده ۱۴۲، ۱۳۳۸ش.

[۴۵] از طرف حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی به علیقلی اردلان سفیر کبیر ایران در واشنگتن، تاریخ مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۵۸، پرونده ۱۴۲.

[۴۶] خلاصه مذاکرات با سردار داود صدر اعظم افغانستان و همراهان در تاریخ ۲۸ و ۲۹

اسفند ۱۳۳۸ ش. در تهران؛ صص ۱-۲، سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۲۰۱۰.

[۴۷] جعفرعلی زاده؛ هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان؛ *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۳.

[۴۸] از طرف محمود ذوالفقاری سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران - کابل به عباس آرام وزیر امور خارجه، مورخ ۲۴ آبان ۱۳۴۱، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده‌گی کابل)، کارتن ۲۷۶، پرونده ۱۰۳، ۱۳۴۱.

[۴۹] سازمان آب منطقه‌ای سیستان؛ واحد آبهای سطحی، آمار میزان آب ورودی به سیستان در سال زراعی ۱۳۴۹-۱۳۵۰.

[۵۰] معاهده تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان ۲۲ اسفند ۱۳۵۱؛ اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده‌گی کابل)، کارتن ۳۹۴، پرونده ۳۲، ۱۳۵۶-۱۳۵۸ ش.

[۵۱] گزارش مأموریت به افغانستان از طرف محمد باقر قلیزاده و اصغر معنوی به وزارت نیرو، مورخ ۹ خرداد ۱۳۵۵ ش، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده‌گی کابل)، کارتن ۳۸۶، پرونده ۹۱، ۱۳۵۵.

[52] Kharrazi K.; "Iran and Afghanistan". *Journal of International Affairs*; Vol.VII, No.1 2002.

[53] United Nations Interagency Assessment Report on the Extreme Drought in the Islamic Republic of Iran, Tehran: July 2001.

[54] Latter dated 12 December 2002 from the permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations, addressed to the secretary – general , UN, security council, 13 December 2002.

[۵۵] سند همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و اداره موقت افغانستان، مورخ ۵ تا ۱۷ اسفند

۱۳۸۰.

[56] www.pagvand.Iran news.com

[57] Partow H.; Sistan oasis parched by drought, in atlas of global change; United Nations Environmental Program, Oxford University Press, 2003.